

زنان زندانی در پای چوبه اعدام!

هم میهنان آزاده و شریف!

تنها بیکار متحد و یکپارچه می تواند جلادان را از دستیازی به تبهکاری تازه بازدارد

گسترده بین المللی است که می تواند جلادان را از دستیازی به تبهکاری تازه بازدارد. در این راه، هیچ فرصت و امکانی را در داخل و خارج از کشور از دست ندهید. با بهره برداری از همه امکانات موجود از جمله مراجعه به مجامع ترقیخواه ملی و بین المللی کارزار هرچه گسترده تری را برای نجات جان زندانیان سیاسی به راه اندازید.

شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را هر جا که می توانید بنویسید و فریاد کنید.

اخبار نگران کننده ای از درون زندان ها به گوش می رسد. جان دهها شیرزن زندانی سیاسی را خطر بطور جدی تهدید می کند. باید به دفاع پیکر از جان زندانیان سیاسی برخاست. دفاع از زندانیان سیاسی، دفاع از آرمانهای انسانی آنها یعنی آزادی، صلح، عدالت اجتماعی است.

تا زمانی که رژیم خونریز "ولایت فقیه" بر کشور ما حکومت می کند، هر روز امکان وقوع فجایعی همانند فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ وجود دارد. تنها بیکار متحد و یکپارچه و بانک اعتراض شما آزادیخواهان و دوستداران صلح و پشتیبانی

طرح جدید ارزی، نشانگر کاهش ارزش ریال

در هفته های اخیر شاهد اجرای "طرح جدید دولت در زمینه ارائه تسهیلات ارزی به متقاضیان خاص" بعنوان "یکی از موارد اصلی دستور کار رئیس جمهور علی اکبر رفسنجانی برای اصلاح اقتصاد کشور" هستیم. هدف های دولت در ارتباط با اجرای این طرح به قرار زیر اعلام شده است، کنترل قیمت انواع ارز در بازار آزاد برای رسیدن به مرز حذف سیستم چند نرخ در کشور، جلوگیری از تورم کاذب زائیده "بالا و پائین شدن بی مورد" قیمت انواع ارز در بازار آزاد، کاهش قیمت کالاهای عرضه شده و همچنین جذب نقدینگی موجود در جامعه.

حال باید به این پرسش پاسخ داد که آیا دولت رفسنجانی به هدف های پیشگفته دست خواهد یافت؟ در آغاز باید گفت این طرح و چاره اندیشی، زمانی می توانست دستاوردهای مثبتی، اگرچه نه پردامنه، داشته باشد که در چارچوب یک برنامه علمی همه جانبه و موزون اقتصادی - اجتماعی به اجرا گذارده می شد. ولی در شرایط کنونی سیاست جدید دولت مبنی بر دخالت در "بازار ارز" گذشته از پیامدهای زیانبار اقتصادی، از نظر سیاسی نیز چیزی جز تحکیم مواضع سرمایه داری وابسته را دنبال نمی کند.

در اینجا پیش از هر سخنی باید گفت که تعیین نرخ ارز ترجیحی - رقابتی حدود ۱۰۰ تومان، در واقع به معنای اعتراف آشکار و برسمیت شناختن بی ارزش شدن پول رسمی و رایج کشور - ریال - در مقابل پول های خارجی معتبر و قابل مبادله مانند دلار و پوند و مارک است. میزان بی ارزش شدن ریال در برابر ارزهای خارجی بسیار بالاست. درحالیکه قیمت رسمی دلار که از سوی بانک مرکزی اعلام می شود حدود ۸۰ ریال است، قیمت ارزهای

ادامه در صفحه ۲

پاسخ به برخی پرسش ها (بخش آخر)

صفحات ۲، ۴، ۵

نامه مردم
از گان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۸۶، دوره هشتم،
سال ششم، ۳۰ آبان ۱۳۶۸

قانون کار دوباره رد شد

هنکامی که مجلس، در جلسه دوم مهرماه ۱۳۶۸ خود قانون کار برگشته از شورای نگهبان را با وارد کردن بسیاری از "اصلاحات" مورد نظر "فتها" از تصویب نهایی گذراند تصور بر این بود که کار دیگر به سامان رسیده و همانطور که در تبصره آخرین ماده قانون تصویب شده آمده است، از تاریخ ۱/۱/۱۳۶۹، یعنی آغاز سال آینده، قانون کار به مورد اجرا گذاشته می شود.

کشمکش میان مجلس و شورای نگهبان از سال ۱۳۶۴ که شور اول قانون کار در مجلس تصویب شد تا به امروز همچنان ادامه دارد و حتی با مداخله مستقیم خمینی هم نتوانست راه حل خود را بیابد. اما باید گفت که رد مجدد قانون کار توسط شورای نگهبان در واقع غیرمنتظره است و از بازتاب اختلافات ژرف طبقاتی جامعه در درون حاکمیت حکایت می کند.

ما هم پس از مقایسه قانون تصویب شده در جلسه دوم مهرماه با پیش نویسی که چهارسال پیش به مجلس داده شده بود، مواد حذف شده و تغییر یافته پرشماری را در جهت برآوردن نظرات شورای نگهبان یاقتیم، ولی حال باز شاهد رد این قانون نیم بند هستیم.

هنوز خبر رسمی با ذکر دلایل شورای نگهبان برای رد قانون توسط رسانه های گروهی منتشر نشده است. تنها از گزارش روزنامه کیهان از جلسه علنی مجلس در روز دهم آبان ماه، آن هم از سخنان پیش از دستور حسین مظفری نژاد معلوم می شود که شورای نگهبان قانون تغییر یافته را هم مطابق با "موازین شرع" تشخیص نداده و رد کرده است.

مظفری نژاد در آن بخش از سخنان خود که به مسئله رشد اقتصادی و تولید اختصاص داشت، ضمن توضیح در این باره که باید برای

ادامه در صفحه ۲

ایستاده بگیریم،
ولی دست به سینه
زندگی نکنیم



دولورس ایباروری، "گل رخ" خلق اسپانیا و صدر حزب کمونیست این کشور، روز ۱۲ نوامبر در سن ۹۲ سالگی چشم از گیتی فرویست و جنبش کارگری و کمونیستی جهان یکی از رهبران نامدار خود را از دست داد.

دولورس ایباروری در ۹ دسامبر ۱۸۹۵ در یک خانواده کارگری دیده به جهان گشود. پس از پایان دوره دبیرستان می خواست معلم شود، اما به علت فقر مجبور به ترك دانشسرا گشت. او از جمله بعنوان خیاط،

ادامه در صفحه ۷

زنده باد آزادی و صلح، سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!

کاهش ارزش پول ...

ترجیحی - رقابتی آن بیش از ۱۲ برابر قیمت رسمی اش تعیین گردیده است.

افزون براین، دربرخورد با این طرح نباید از نظر دور داشت که:

- در شرایطی که خود دولت با بحران ارزی روبروست و برای اجرای برنامه تنظیمی پنجساله خود حداقل به بیش از ۶۰ میلیارد دلار ارز احتیاج دارد و صحبت و کشاکش بر سراسرتراض خارجی کلان با همه پیامدهای اسارتبار آن در محافل حاکمه مطرح است، ریختن میزان قابل توجهی ارز در دست بخش خصوصی درواقع موضع این بخش را در اقتصاد کشور تقویت می کند و دست دولت را در برنامه ریزی و اجرای طرح های اقتصادی بیش از پیش می بندد.

- درشرایطی که در جامعه نیازمندان به ارز خارجی تنها "صاحبان صنایع و شرکت های تولیدی" نیستند، بلکه طیف وسیعی از جمله مسافران عازم سفرخارج و یاخانواده دانشجویان سرگرم تحصیل در خارج از کشور را تشکیل می دهند، واگذاری ارز ترجیحی - رقابتی به بخشی از نیازمندان، آن هم سرمایه داران، هیچگاه به حذف بازار آزاد نخواهد انجامید. علاوه بر آن، با توجه به عملکرد "متمرکز" معامله گران و دلالان ارز و نفوذ آنها در سیستم بانکی کشور، شرایط تزریق حساب شده ارز به قیمت های بالاتر از قیمت ارز ترجیحی - رقابتی به بازار آزاد ارز فراهم می گردد. بدون تردید در ماه های آینده شاهد شکل گیری باندهایی خواهیم بود که با انواع حسابسازیها و زدویندها با بانک ها و شرکت های خارجی ارز دریافتی از يك دست- از دست بانک ها - را با دست دیگر- البته با درصدی سود- به متقاضیان می دهند و بسادگی مبالغ کلانی راهی چاه ویل جیب های خود می سازند.

- گفته می شود ارز ترجیحی در اختیار شرکت ها و موسسات تولیدی قرار می گیرد تا با واردات مواد اولیه، نیم ساخته و قطعات یدکی، چرخ تولید ۷۰ درصد صنایع تعطیل را براه بیندازند. بدین طریق با "رونق" تولید کالاهای موردنیاز مردم، جلوی افزایش سرسام آور قیمت ها و نرخ تورم گرفته شود. این شیوه برخورد، جز ساده کردن مسائل بفرج اقتصادی به قصد عوامفریبی نیست. مثلاً به این دلیل، در شرایطی که شرکت ها و موسسات تولیدی، کالاهای خود را با دلار صد تومانی تولید می کنند، طبیعی است که قیمت عرضه آنها نیز به همان نسبت بالا و گران خواهد بود. بویژه با توجه به کمبود عرضه و بالایبودن تقاضا در بازار ونیز نبود سیستم نرخ گذاری در شبکه توزیع مردم ناگزیرند برای گذران زندگی، کالاهای موردنیاز خود را به قیمت های متورم و گران خریداری کنند و درنتیجه بعد از کاهش مقطعی قیمت برخی کالاها، شاهد سیر صعودی آنها خواهیم بود. بدینسان وقتی راه سوداندوزی سرمایه داران بازنگهداشته می شود، چون روز روشن است که از "جذب حجم قابل توجهی از نقدینگی"

قانون کار دوباره ...

کسانی که در امر تولید دخیل هستند انگیزه ایجاد کرد گفت: "مهمترین کار در این خصوص تصویب قانون کار است و حال که به تشخیص شورای محترم نگهبان برای دومین بار این قانون رد شده، از شورای محترم مصلحت مصرا نه درخواست می نمائیم که در تصویب نهائی آن عنایت نموده ... والی آخر".

بدین ترتیب دیگر برای هیچ کس جای تردیدی باقی نمانده است که رژیم دچار بن بست قانونگذاری شده، قادر نیست "قانون کار اسلامی" خود را تدوین کند. لازم به یادآوریست که بار گذشته هم، بدنبال رد شدن قانون کار از سوی شورای نگهبان، آن را به شورای تشخیص مصلحت منتصب از سوی خمینی فرستادند و حاصل آن وادارکردن مجلس به عقب نشینی های مبین و از جمله گردن نهادن به بسیاری از خواست های ضد کارگری شورای نگهبان بود. این بار هم انتظار دیگری نمی رود. حداقل به این دلیل که همه قتهای عضو شورای نگهبان عضو شورای تشخیص مصلحت نیز هستند. بی شك شورای تشخیص مصلحت باز خواهد کوشید باوادر کردن مجلس به عقب نشینی بیشتر، راهی برای کنارآمدن دوطرف پیدا کند. تنها مبارزه متحد کارگران می تواند از چنین روندی جلوگیری کند.

براستی برای کارگران و زحمتکشان ایران راهی جز مبارزه مستقیم برای تحمیل يك قانون کار عادلانه به رژیم وجود ندارد. طبقه کارگر ایران می تواند و باید از همه امکانات خود برای مقابله با دشمنان طبقاتی استفاده کند. در انقلاب بهمن علیه رژیم ستمشاهی، این کارگران بودند که نقش عمده را ایفا کردند. اعتصاب سراسری کارگران و بویژه نفتگران بود که کمر رژیم را شکست. امروز هم این یکی از کاراترین سلاح ها برای پیکار علیه رژیم ارتجاعی و ستمکار و قرون وسطائی "ولایت فقیه" است. درست است که بر اثر وجود میلیونها بیکار و بحران اقتصادی و اجتماعی در جامعه، کارگران شاغل درموقعیت ضعیفی هستند، ولی نبود قانون کار و خودسری های بی پایان کارفرمایان با دستیاری روحانیت مرتجع، آینده را برای لایه های زحمتکش تیره و تارتر می کند. اگر کارگران ایران متحداً عمل کنند و مانند يك تن واحد به دفاع از منافع برحق و عادلانه خود برخیزند رژیم "ولایت فقیه" هم بمانند رژیم شاه تاب ایستادگی دربرابرشان را نخواهد داشت.

تقدینه داران و "کسری بودجه ریالی" حرف زدن جز گزاره گوئی نیست. عوامل گوناگون اقتصادی در پیوند با مجموعه سیاست رژیم حاکی از آن است که با اجرای طرح جدید برخلاف دعاوی کارگزاران جمهوری اسلامی، زمینه تضعیف پول ملی کشور در برابر ارز های خارجی و تثبیت قیمت دلار در همان حدود ۱۰۰ تومان و در درازمدت زمینه برای دیکته کردن قیمت ارزهای خارجی از سوی "دلال های ارز و شبکه



- رادیو اسرائیل می گفت: "رهبر" در زمان جوانی سه تارمی زده.
- این وصله ها به "رهبر" نمی چسبند. چون ایشان در موسیقی همانقدر استمداد دارد که در رهبری.

نامه سید علی به سید احمد

جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی دامت برکاته،
پس از عرض سلام و عرض تحیت شما در این اواخر خیلی زیاده روی می کنید. دست به کارهای می زنید که در صلاحیت شما نیست. گوشزد می کنم که دست از شیطنت بردارید و با دشمنان لیبرال در يك صف نروید.

والسلام! جانشین امام

پاسخ سید احمد به سید علی

حضرت آیت الله سید علی خامنه ای دامت افاضاته،
از نامه شما دكتور شدم. همانطور که می دانید مشغول تنظیم شرح حال امام امت هستم. اگر به کارهای من دخالت کنید می نویسم که امام يك بار به شما پس گردنی زده است.

والسلام! یادگار امام

رفسنجانی لباس مبدل می پوشد و به کوچه بازار می رود تا از اوضاع و حال و احوال مردم عادی آگاه شود.
دراولین مقاله، فروشنده او را می شناسد، - به به، آقای رئیس جمهور، شما کجا اینجا کجا؟

رفسنجانی حاشا می کند،
چه فرمودید؟ بنده يك روحانی ساده هستم.

- شانس آوردید که من طرف شما هستم، آقای رئیس جمهور ... بروید به خانه که مردم محله از يك روحانی ساده ... دست کم بیست تا آدم معمولی درست می کنند!

های تروریستی تعیین نرخ ارز در بازار سیاه" و نیز تحکیم بیش از پیش مواضع اقتصادی و سیاسی سرمایه داری وابسته فراهم می گردد.

وضع رقت بار تعاونی‌های مسکن کارگران منطقه "زیبا شهر" قزوین

در کیلومتر ۱۷ جاده قزوین - تهران، قطعه زمینی از سوی سازمان زمین شهری - به اتحادیه تعاونی‌های مسکن کارگری واگذار شده است که نام "زیباشهر" را بر آن نهاده اند. پروژه خانه سازی در "زیباشهر" از سال ۶۱ آغاز شده است. ابتدا از هر عضو تعاونی مسکن، مبلغ ۳۰ هزار تومان بابت ۱۵۰ تا ۲۰۰ مترمربع زمین پول گرفتند. باید خاطر نشان سازیم که قبلاً قرار بود به هر عضو ۳۰۰ مترمربع زمین داده شود که پس از دریافت پول قطعات زمین را کوچک کردند. ولی کار به همین جا نیز خاتمه پیدا نمی کند. کمبود مصالح ساختمانی و نبود برنامه ریزی دقیق اختلاس و غیره باعث شده است که خانه ها سر موعد مقرر حاضر نشود و تاکنون تنها تعداد اندکی از اعضای هر تعاونی صاحب یک خانه نیمه تمام شده اند. چراکه تعاونی، خانه های حدود ۸۵ تا ۹۵ درصد ساخته شده را تحویل اعضا می دهد و هر دریافت کننده خانه ناگزیر است برای تکمیل ساختمان آن حدود صد هزار تومان خرج کند.

باید گفت که آن کارگر "خوشبختی" که با فروش تمام جل و پلاس فقیرانه خود، همراه با هزار قرض و قوله ازدوستان و آشنایان و وام از بانک مسکن، صاحب خانه نیمه تمام شده است، اکنون علاوه بر غصه تهیه پول برای به اتمام رساندن خانه با مشکلاتی دیگر از قبیل نبود برق، آب، آسفالت، و ساختن حمام، درمانگاه، مدرسه و حتی مسجد... که باید هزینه کمرشکن آنها را نیز بپردازد، روبروست. برآستی بحال چنین صاحب خانه ای باید گریست. تابستان ۶۸، کوچه های خاکی "زیباشهر" شاهد بازی بچه های رنجور کارگران و گرمای سوزان و آفتاب زدگی گروه بزرگی از آنها بود. بچه ها از اسهال و استفراغ رنج می بردند و هرروز وساعت مثل شمع آب می شدند، ولی از درمانگاه و پزشک "زیباشهر" خبری نبود. درشهرک چند مغازه وجود دارد که اجناس خود

را به دو برابر قیمت شهر به فروش می رسانند. نانواهی شهرک نیز ترفنی و صف کیلومتری آن تماشا می است.

دوسال پیش تعاونی های مسکن مبلغ ۷۵ هزار تومان به اداره برق پرداخت کرده اند. ولی هنوز از برق در این شهرک خبری در میان نیست. نامه ها و شکوائیه های مختلفی از طریق شورای هماهنگی تعاونی های مسکن کارگری به اداره برق، امام جمعه (باریک بین) و دیگر مقامات نوشته شده، ولی به هیچ یک ترتیب اثر داده نشده است. اداره برق کمبود تیربرق و کابل و غیره را بهانه می آورد. حتی چندین بار اعضای تعاونی ها بطور جمعی به اداره برق رفته اند ولی نتیجه ای نبخشیده است. علاوه بر اینها، طوماری نیز نوشته و نسخه هایی از آن را به نماینده قزوین در مجلس، "کمیته انقلاب اسلامی"، اداره برق و امام جمعه فرستاده اند و به پیوست طومار نامه ای با مضمون زیر نوشته اند:

ما کارگران دیگر خفه شده ایم. دیگر تحمل نداریم. ماتولته گر، جوساز و ضد انقلاب نیستیم. ما کارگر هستیم و این حق را قانون اساسی به ما داده است که برق داشته باشیم و از حق قانونی خود دفاع خواهیم کرد...

قرار بود که به ۶۳ تعاونی مسکن کارگری، ۱۱ هزار واحد مسکونی در این شهرک واگذار شود و هر عضو تنها ۲۰ درصد از هزینه تمام شده واحد مسکونی خود را بپردازد و بقیه از طریق وام بانک مسکن با بازپرداخت ۱۲ الی ۲۰ ساله تامین شود. ولی با توجه به تمام نقایص یادشده که هزینه گزافی نیز روی دست کارگران گذاشته است، نزدیک به ۲۰ تا ۴۰ درصد از مخارج ساختمان را نقداً از کارگران دریافت کرده اند.

نسبت پرداخت وام از طرف بانک مسکن به شماری از تعاونی ها تصویر زنده تری بدست می دهد. مثلاً به جدول زیر توجه کنید.

نام تعاونی مسکن	میزان وام وعده داده شده (مبلغ هزار تومان)	میزان وام پرداختی
۱- شرکت نازنخ	۳۸۰-۴۰۰	۱۷۰
۲- آلونیک	۳۲۵	۱۷۵
۳- ایران دوچرخ	۲۶۰	۱۶۰
۴- قوه پارس	۳۵۰	۱۱۰
۵- بسته بندی پارس	۳۰۵	۱۷۵
۶- کمپرسورسازی	۳۵۰	۱۶۰
۷- آسانسورسازی	۳۵۰	۱۰۵
۸- کفش آزادگان	۳۰۰	۱۴۵
۹- پلی وینا	۳۰۰	۵۰

"به قلب های فروزان خیل زحمت"

خداوند تاریخ شاهد فجایع دیرپاها ما بگو،
از راه دراز خون آلود سیر انسان،
از رنج بردگان، از سنگینی زنجیرشان،
از زحمت بی امان، از تحقیر،
از تجدیدگان تمامی تاریخ.

از زخم تازیانیه بردن سازندگان افتخارات تو،
هرمها، بلندبهای ماچوپچو، دیوار چین، راه ابریشم،
با ما بگو از همه بی نشانها،
که دشانهای ماندگار برجای نهادند.
و با ما بگو از آن شعله ها که زبانه کشیدند،
تاخیل زحمت را،
در درازای حرکت زمان
فریاد اعتراض باشند،
از شهدا، از شهدای خیل زحمت.

با ما بگو که این خاک، این زادگاه،
تا چند باید که رنگ بگیرد، از خون جوشانشان.

آیا که دیر نیست؟
تا زمین سوخته بارور شود،
از بلندای همت گل های سرسبید؟
آیا که دیر نیست،

تا جان های کیومرث و سیمین و صوفی و آذرنک،
بر تارک قله سازندگی باشد،
نه با دست کوران آویخته بر غارهای جهل،
خیل زحمت باردگر تهی شود،
از قلب فروزان هستیش؟

ای خداوند تاریخ! تا چند؟
آن که پرچم رهائی محرومان بردوش کشید،
و از خود گذشت،
بر سر آن پرچم مصلوب خواهد شد؟
و بر پیکر پاکش بی حرمتی خواهد رفت؟
تا چند تا چند؟

"مهر" - شهریور ۶۷

تعداد واحدهای مسکونی ای که از طرف تعاونی های مسکن کارگری فوق الذکر ساخته می شود عبارتند از: نازنخ ۸۸ واحد، آلونیک ۴۱ واحد، ایران دوچرخ ۱۲۱ واحد، قوه پارس ۴۴ واحد، بسته بندی پارس ۱۶ واحد، کمپرسورسازی ۵۴ واحد، آسانسورسازی ۷ واحد، کفش آزادگان ۱۱ واحد، پلی وینا ۲۱ واحد، آیکینه ۴۴ واحد، کارتن پارس ۲۸ واحد، لوازم خانگی پارس ۵۳ واحد، کیسه ایران ۱۱ واحد و... مسئولان تعاونی های مسکن کارگری اعتقاد دارند، چنانچه مشکلات دیگری بوجود نیاید و بانک مسکن نیز به تمام تعهدات خود عمل کند و وام تعیین شده را کاملاً بپردازد هزینه احداث هر واحد، برای کارگران تقریباً بالغ بر یک میلیون تومان می شود، که بسیاری از کارگران از عهده آن بر نمی آیند. هم اکنون با توجه به مشکلات عدیده فوق، علیرغم اینکه کارگران حق فروش و واگذاری خانه ساخته شده را برای مدت ۵ سال ندارند، به شکل قولنامه ای و با قیمت ناآزتر دست به اینکار می زنند.

پاسخ به برخی پرسش‌ها (بخش آخر)

بگوئیم. قبل از ورود به توضیح لازم، باید خاطر نشان سازیم که بعضا این یا آن رفیق می‌خواهند تا حزب از هر آنچه به اصطلاح "نو" است حمایت کند. مثلا، می‌گویند چرا ما از حزب جدید تشکیل شده در مجارستان حمایت نمی‌کنیم؟ حتما رفقا می‌دانند همبستگی و یا حمایت ما از هر حزبی فقط در ارتباط با برنامه و جهان بینی آن است. ما باید دقیقا آنچه در این یا آن کشور می‌گذرد را مورد ارزیابی قرار دهیم و به نتیجه برسیم. در غیر اینصورت به آسانی می‌توان در سیاست اشتباه کرد. اینکه این یا آن حزب در کشورهای سوسیالیستی و یا غیرسوسیالیستی چه سیاست و خط مشی را اتخاذ می‌کند، کار داخلی آنهاست. اما، ارزیابی از استراتژی و تاکتیک آنها برای تصمیم گیری در جهت حمایت یا عدم حمایت از آنها حق مسلم و کار داخلی حزب ماست.

حال برمی گردیم به پاسخ مستقیم پرسش رفقا. آری، کنگره فوق العاده حزب سوسیالیست کارگری مجارستان (این کنگره نمره گذاری نشد) که در اوایل اکتبر ۱۹۸۹ بر بوداپست تشکیل شد، روز هفتم اکتبر حزب نوینی را به نام "حزب سوسیالیست مجارستان" تشکیل داد. جلسه هیئت موسسان حزب جدید که بلافاصله آغاز به کار کرد، علاوه بر تصویب برنامه و

برای اینکه وضع در لهستان آنچنان که هست برای رفقا روشن گردد، باید حال و آینده دو نیروی متشکل - حزب متحد کارگری و "همبستگی" - را مورد بررسی قرار داد.

حزب متحد کارگری لهستان دچار بحران درونی است. ۳۰ اکتبر ۱۹۸۹ حدود ۱۷۳ تن نماینده حزب در پارلمان آن کشور نامه سرگشاده ای منتشر کردند. در نامه گفته می‌شود که لهستان لحظه سرنوشت سازی را می‌گذراند. کوشش هائی که تا کنون درباره اصلاحات انجام شده به نتیجه مطلوب نرسیده است. ناکامی عملکرد حاکمیت و نادرستی اداره اقتصاد کشور غیرقابل انکار است. حزب حمایت اکثریت مردم را از دست داده و اداره دولت به دست کسانی افتاده است که در گذشته در اپوزیسیون بودند. در نامه سرگشاده تصریح می‌شود که بحران اقتصادی ادامه دارد و ژرفتر می‌شود. راه برون رفت در کجاست؟ نمایندگان پارلمان از حزب متحد کارگری لهستان معتقدند که دوران عمل این حزب سپری شده و باید حزب نوینی که پاسخگوی خواست های واقعی و امیدها و آرزوهای زحمتکشان باشد تشکیل گردد. به نوشته آنها، کنگره یازدهم حزب باید این وظیفه را به پایان رساند.

آیا با تعویض نام حزب، آن هم نه برای نخستین بار می‌توان دردها را علاج کرد؟ خوشی بینی در این باره اشتباه خواهد بود. می‌توان گفت، حزب ابتکار عمل را با کند کاری از دست داد. هم خطاهای گذشته و هم سیاست رهبری حزب در زمینه دریافت هرچه بیشتر وام از غرب که منجر به وابستگی گردید، شیرازه امور را از هم پاشیده است. در لحظات بسیار حساس جبهه واحد احزاب که در آن حزب متحد دهقانان و حزب دمکرات نیز شرکت داشتند از هم پاشید. همه اینها تاثیر حزب متحد کارگری را بر سیر رویدادها از بین برد و لهستان خواه ناخواه گام در مرحله جدیدی گذارد.

از نوشته مطبوعات لهستان چنین بر می‌آید که حزب دارای انسجام درونی نیست و گروه های گوناگونی در آن عمل می‌کنند. بنظر می‌رسد که در کنگره آینده حزب کارپایه های مختلف ارائه گردد و حزب نوین برپایه برخورد آنها بوجود آید. بحث برسر آن است که برخورد حزب نوین به حزب متحد کارگری چگونه خواهد بود. مسئله مهم دیگر وحدت درونی حزب است. بدون شك حرف بر سر وحدت پیرامون مسائل اصولی و شناسائی حق ابتکار خلاق است نه تحدید برخورد نظرها برای هرچه بهتر کردن تصمیم های اتخاذ شده. در شرایط یورش گسترده نیروهای راست و لیبرال، نیروهای چپ نمی‌توانند متحدا عمل نکنند. همه اینها نظراتی است که در پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان مورد توجه قرار داشت. رهبران حزب معتقدند که باید کوشید تا برپایه کارپایه های گوناگون ساختار سازمانی جدیدی برای حفظ وحدت بوجود آورد. اما، در حال حاضر گروه های مختلفی در حال شکل گرفتن هستند. مثلا می‌توان از گروه "اتحادیه های طبقاتی" به رهبری آلفرد مدوویچ، عضو

هیئت سیاسی و صدر اتحادیه های کارگران نام برد. به نوشته مطبوعات شعارهای پوپولیستی بیشتر رایج است.

"کارپایه کارگری ورشو" نیز در چنین موضعی است. این گروه خواهان حفظ خصلت کارگری حزب و دفاع از منافع کارگر است. طرفداران "کارپایه کارگری ورشو" مخالف اقتصاد بازاریند و بنظر آنها مبارزه طبقاتی نقش تعیین کننده در جهان دارد. باید گفت که گروه های دیگر ضد اصلاحات نیز وجود دارند.

بهرحال، آنچه حائز اهمیت است، حفظ وحدت حزب در صورت تعویض نام آن است. طبیعی است که حزب جدید باید برنامه جدیدی را نیز ارائه کند. این برنامه باید بازتاب واقمیت

○ مهمترین وظیفه ما مقاومت و مبارزه علیه توده ای ستیزی و کمونیسم ستیزی است. مبارزه ما در هیچ عرصه ای تعطیل بردار نیست و هیچگونه مشکلی نمی‌تواند و نباید ما را از راهی که در پیش گرفته ایم، منحرف سازد.

○ رسانه های گروهی غرب می‌کوشند تا با جارو جنجال پیرامون "شکست سوسیالیسم" نارسائیهای خود را حتی المقدور پرده پوشی کنند.

اساسنامه، رهبری جدید را هم انتخاب کرد. بدینسان، رفرمیست های رادیکال در درون حزب سوسیالیست کارگری مجارستان که نخست در محفل ها جمع بودند و سپس در "اتحادیه فرم" گرد آمدند، به هدف نهائی خود، یعنی تغییر ماهیت حزب نائل شدند. این تغییر فقط شامل نام حزب نشد. حزب سوسیالیست مجارستان از يك سازمان کمونیستی به سازمان سوسیالیستی، از حزب کارگری به حزب "افرادی که از نمره و دسترئج خود بهره می‌گیرند و نیز سوداگران" تغییر ماهیت داد.

در اسناد برنامه ای مصوب هیئت موسسان کلمه ای درباره مارکسیسم-لنینیسم نیست. حزب جدید حتی اصل سنتی تبعیت از مرکزیت - دمکراتیک را هم قبول ندارد و خود را "اتحادیه جریانهای آزاد و داوطلبانه" می‌نامد. امیره پوژیکایی، یکی از مبتکرین تغییر ماهیت حزب، در مصاحبه با خبرنگار مجله "عصر جدید" (شماره ۴۳، اکتبر سال ۱۹۸۹) اظهار داشت: "از آنجا که حزب هدف خود را دستیابی به سوسیالیسم دمکراتیک قرار داده، به همین سبب همپیوندی نظرات سوسیالیستی نهضت های چپ اروپائی را وظیفه خود می‌داند." در زیر لفافه این نظر چه نهفته است؟ وی در يك مصاحبه دیگر که

حیات اجتماعی باشد. حتی مخالفان نیروهای چپ در لهستان، پنهان نمی‌دارند که این نیروها هنوز دارای پتانسیل نیرومندی در داخل کشورند.

گروه بندی در درون "همبستگی" نیز وجود دارد. یگانه عامل وحدت در "همبستگی" سرنوشت گذشته آنها در رویارویی با حزب متحد کارگری لهستان بود. از آنجا که "همبستگی" از نیروهای دارای نظرات و عقاید گوناگون تشکیل شده، انشعاب در آن نیز اجتناب ناپذیر است. به احتمال قوی جناح چپ- سوسیال دمکراتها در آینده به نیروهای چپ پیوندند.

چنانکه گفتیم حوادث در لهستان با سرعت تغییر می‌یابند و پیش بینی حتی آینده نه چندان دور بسیار مشکل است. ما کوشیدیم تا رویدادها را برپایه ارزیابی محافل سیاسی به اطلاع خوانندگان برسانیم. واضح است که ما خواهان موفقیت برای کمونیست های لهستان بوده و هستیم.

پرسش - حزب جدیدی که در مجارستان بوجود آمده، چه راهی را انتخاب کرده است؟ پاسخ "ن.م" - در اینجا نیز ما مجبوریم به تفصیل درباره آنچه در مجارستان می‌گذرد سخن

خود همسان کنند و تصمیم بگیرند. گروس درباره خود گفت که جای وی در زندگی سیاسی "چپ تر از حزب سوسیالیست مجارستان" و راست تر از دارندگان نظرات افراطی است. او می گوید اگر حزب اصلاح طلب کمونیستی بوجود آید، عضو آن خواهد شد.

گرچه اکثریت نمایندگان کنکره به ایجاد "حزب سوسیالیست مجارستان" رای دادند، با وجود این، نمی توان کار را به اصطلاح پایان یافته دانست. از مجموعه مطالبی که ما به نقل از رهبران سابق و حال نقل کردیم، اختلاف های بسیار شدیدی میان حزب سابق و جدید، در درون حزب سابق و جدید وجود دارد.

در کنکره ۱۵۹ نماینده به حزب جدید رای ندادند. ماتیاش سیوروش می گوید، "روشن است که عده زیادی از اعضای حزب می توانند با آنها بروند. این مسئله را باید بررسی کرد". نیرش، صدر حزب جدید هم اعتراف می کند که "وضع بسیار بغرنجی است. اکثر اعضای حزب نمی دانند چرا نام حزب را عوض کردند".

درواقع نیزگروه بزرگی از اعضای حزب بر این عقیده اند که حزب سوسیالیست کارگری مجارستان رسماً منحل نشده است. ۲۱ اکتبر ۱۹۸۹ "شارکائی"، نماینده حزب سوسیالیست مجارستان، در مصاحبه ای با ارگان حزب اظهار داشت تا کنون فقط ۲۰ هزار تن در حزب نام نویسی کرده اند، حوزه حزبی تقریباً وجود ندارند و حق عضویت بسیار ناچیز است. به گفته وی وضع مالی حزب بحرانی است. این خود نشانه عدم موفقیت حزب جدید است.

پس از کنکره، سازمان های محلی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان جلسات متعددی تشکیل داده و می دهند که در آنها عده ای از اعضای به ورود در حزب رای می دهند و عده دیگر تصمیم به باقی ماندن در حزب سوسیالیست کارگری مجارستان می گیرند. در این میان، طبق نظر محافل آگاه عده کثیری هم حاضر به عضویت در هیچ یک از احزاب سابق و جدید نیستند. گروهی از آنها اصلاً نمی خواهند فعالیت سیاسی کنند و تعدادی هم شاید به دیگر احزاب ملحق شوند.

چندی پیش به ابتکار "کارپایه واحد مارکسیستی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان" به رهبری ر. ریپانسکی، حدود یک هزار تن از فعالان حزب در بوداپست تشکیل جلسه دادند. در جلسه اعلام شد که سوسیالیسم در مجارستان در خطر است و باید هرچه زودتر تدارک فراخواندن کنکره چهارده حزب را آغاز کرد. در جلسه گفته شد در این باره مذاکرات "ثمربخشی" با کاروی گروس، دبیر کل حزب که به گفته شرکت کنندگان هیچ کس وی را از آن مقام معزول نکرده، به عمل آمده است. باید گفت در کنکره فوق العاده برخی از پلاتفرمها، از آنجمله "وحدت کمونیستی"، جامعه فرتس میونخ" و "نهضت در راه سوسیالیسم" به حزب جدید رای ندادند. این پلاتفرمها معتقد به حفظ حزب سوسیالیست کارگری مجارستان هستند. باید گفت که کنکره فوق هیچ تصمیمی درباره پایان دادن به فعالیت حزب سوسیالیست کارگری

شویدا" را از سرلوحه روزنامه حذف کرد. به ابتکار نمایندگان طرفدار حزب سوسیالیست مجارستان، نام آن کشور از جمهوری خلق به جمهوری مجارستان تغییر یافت. ستاره سرخ را که سالها برسر در ساختمان های حزبی و غیرحزبی کارگزارده شده بودند، برداشتند. در قانون اساسی تغییرات کیفی داده شد. مسئله رهبری حزب را از آن حذف کردند. پلورالیسم سیاسی و پلورالیسم مالکیت و از جمله مالکیت خصوصی مورد تصویب قرار گرفت.

در برنامه جدید حزب از "اقتصاد بازار با مالکیت مختلط" سخن می رود. بدینسان ما، شاهد تغییرات کیفی در مجارستان هستیم. دوم نوامبر ۱۹۸۹ خبرگزاریهای جهان خبر دادند که "ربرت ماکسول" دارنده کمپانی "گروه میورور نیوزپیر" از انگلستان ۴۰ درصد روزنامه دولتی "ماجارهیرلاپ" چاپ بوداپست را خریداری می کند. مسئولان دولتی در توجیه این گام عادی مسئله وجود "پلورالیسم" در کشور را پیش کشیدند.

شرکت کنندگان در کنکره فوق العاده که نماینده "گروه های مختلف" بودند (تعداد کارگران انکشت شمار بود) برای حفظ "نفوذ" حزب در شرایط پلورالیسم سیاسی با هم سازش کردند. این سازش به معنای آن است که هر گروه و جناحی در حزب جدید کارپایه ویژه خود را حفظ خواهد کرد. معلوم نیست در چنین شرایطی حزب سوسیالیست مجارستان که آزادی داشتن کارپایه و جناح های گوناگون را در حزب به رسمیت شناخته، چگونه می تواند وحدت عمل حزب را تامین کند. این پرسشی است که محافل درون حزب سابق مطرح می کنند.

به گفته نمایندگان، حتی کنکره در شرایط غیر دموکراتیک جریان داشت. به این معنا که سران جناح های گوناگون خارج از کنکره در اطاق های درپسته تصمیم می گرفتند و سپس آن را برای صحنه گذاری به جلسه کنکره می آوردند. کاروی گروس در مصاحبه با "صنجدید" گفت: "به باور من، علیرغم همه تعهدات، حزب سوسیالیست مجارستان یک حزب خالص سوسیال - دموکراتیک خواهد شد. درست است که در سخنرانی ها ضرورت پیدا کردن زبان مشترک با کمونیست های اصلاح طلب یادآوری شد، اما در اسناد مصوب کنکره، تضمینی برای پیدا کردن زبان مشترک وجود ندارد.

به نظر می رسد، کمونیست های اصلاح طلب باید شکل سازمانی تشکل خود را جستجو کند، یعنی حزب مستقل خود را تشکیل دهند". به عقیده گروس، به احتمال قوی احزاب کمونیستی از جانب "دگماتیست ها" و "رادیکال ها" نیز بوجود آیند. وی سپس اظهار داشت، یک ضرب المثل چینی می گوید: برای اینکه گرد هم آمد، نخست باید متفرق شد. ما، اکنون این لحظه را می گذرانیم و از هم جدا می شویم. در کشور و نیز در درون نیروهای چپ، چهره سیاسی نیروهای گوناگون دارای سمت گیریهایی مختلف شکل می گیرند. در جریان این روند، انسان ها خواهند کوشید تا مقاصد سیاسی نیروها و سمت گیریهایی آنها را باخواست های

بلافاصله پس از پایان جلسه هیئت موسسان با خبرنگار روزنامه ژاپنی "اساهی" انجام گرفت، هدف خود را روشنتر بیان داشت (مراجعه شود به روزنامه "زارویژم"، شماره ۴۳ سال ۱۹۸۹). او در پاسخ به پرسش خبرنگار که آیا تشکیل حزب جدید به معنای "دوری از کمونیسم" است، صریح گفت: "این تعبیر صحیح است. ما می کوشیم حزب سوسیالیست نوع اروپای غربی تشکیل دهیم". وقتی خبرنگار پرسید: "آیا این به معنای بریدن هر ارتباطی با حزب کمونیست است؟"، پاسخ یاز هم روشن و صریح بود: "آری" این بریدن ارتباطات است.

ماتیاش سیوروش، یکی دیگر از رهبران حزب جدید در مصاحبه با "عصر جدید" می گوید که "ما می کوشیم تا حزب جدید، فاقد ایدئولوژی باشد. ما مبداء سوسیالیسم را تنها مارکس و انگلس و لنین نمی دانیم، بل آن رابه آوگوستین مقدس و توماس مور و انقلاب کبیر فرانسه نیز گسترش می دهیم، یعنی آن را یک روند تاریخی پیرامده از اعمال سده ها می دانیم". در اسناد رسمی گفته می شود هدف عبارت است از گذار به سوسیالیسم دموکراتیک. کاروی گروس، دبیرکل حزب سابق سوسیالیستی کارگری مجارستان در مصاحبه با "صنجدید" توضیحاتی داد که به نظر ما اطلاع از آنها برای درک آنچه در مجارستان می گذرد ضرورت دارد. او، از جمله گفت: "کنکره بدون آمادگی لازم قبلی تشکیل شد- منظور من آمادگی روحی است نه سازمانی. ما ابتدائی ترین مسائل را در درون حزب به بحث نگذاشتیم. مثلاً، خیلی ها نمی دانند سوسیالیسم دموکراتیک چیست. من از ۲۰ نفر در این باره پرسیدم، کسی ماهیت آن را نمی دانست".

وی می گوید: "به هنگام تدارک کنکره ما می بایست روشن می کردیم که چه می خواهیم و آن را با اعضای حزب در میان می گذاریم. می بایست تعیین می کردیم چند هزار تن حاضرند دوشادوش ما وارد عرصه مبارزه شوند. و آیا اصولاً، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان آماده مبارزه سیاسی قبل از کنکره بود؟ به نظر من نه. در نتیجه حزب سوسیالیست براساس سازش سیاسی بمنظور حفظ وحدت نیروهای چپ پا به عرصه وجود گذارد. من که خواهان وحدت بودم از آن استقبال می کنم. اما، سازش نه در چارچوب نوسازی حزب قدیمی، بلکه براساس ایجاد حزب جدید انجام شد و مضمون سازش از لحاظ کیفی تغییر یافت".

حتی رهبران جدید محتوای سوسیالیسم دموکراتیک موردنظر خود را نمی دانند. مثلاً، ماتیاش سیوروش می گوید: "هدف ما ساختمان سوسیالیسم دموکراتیک، یعنی چنان صورتبندی اجتماعی است که تصورات معین کمونیستی، سوسیالیستی، سوسیال دموکراتیک و تا اندازه ای هم تصورات بورژوا- دموکراتیک در آن وارد شود". از این اختلاط غیرقابل تصور کدام نظام می تواند بوجود آید؟ آینده نه چندان دور به این پرسش پاسخ خواهد داد.

بلافاصله پس از تشکیل حزب جدید، روزنامه ارگان، شعار "پرولتراها جهان متحد

پاسخ به برخی

مجارستان نگرقت.
ر. ریپانسکی، رهبر "وحدت کمونیستی" در جلسه فعالان گفت که کنگره حق تشکیل حزب جدید را نداشت و حزب سوسیالیست کارگری مجارستان به فعالیت خود ادامه خواهد داد. "وحدت کمونیستی" انحلال خود را به سود نوسازی حزب اعلام کرد. طبق تصمیم جلسه فعالان، کنگره چهاردهم تا پایان ۱۹۸۹ تشکیل خواهد شد. جلسه فراخوانی خطاب به "همه" اعضای حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، مارکسیست - لنینیست های وفادار" تصویب کرد که در آن از آنها خواسته می شود تا در صفوف حزب باقی بمانند. به نوشته رسانه های گروهی جهان تا کنون ۱۲۰ هزار تن به این فراخوان پاسخ مثبت داده اند.

شرکت کنندگان در جلسه فعالان حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، درعین فاصله گیری از اشتباهات گذشته و از آنجمله از ارثیه استالینیسم و نیز لیبرالیسم بورژوازی، از خط مشی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان درباره نوسازی رادیکال، دمکراتیزه کردن زندگی درون حزبی، گذار به سیستم چند حزبی و "اقتصاد بازار" به موازات وجود انواع اشکال مالکیت و نیز مالکیت خصوصی دفاع و از ایجاد حاکمیت متکی به قانون پشتیبانی کردند.

چنین است وضع در مجارستان. بدون شک انشعاب در حزب، آن هم در اوان انتخابات در شرایط پلورالیسم سیاسی به تضعیف حزب منجر گردیده که نمی تواند در سرنوشت آینده کشور که دچار بحران اقتصادی - اجتماعی از سوئی و تشدید وابستگی به علت وام خارجی نسبتا زیاد (در مقیاس مجارستان) به بانک های غربی است، بی تاثیر بماند.

پرسش - وظیفه ما توده ایها در این مرحله از کمونیسم ستیزی در عرصه بین المللی چیست؟
پاسخ "ن.م." - رفیقی در نامه ای از ایران می نویسد: "باید از گوشه رینگ بیرون آمد. آری ما ضعف هائی داشته و داریم، اما هنوز دریای بیکرانی از امکانات وجود دارد. باید حالت دفاعی را به سرعت پشت سر گذاشت و در تمام عرصه های ایدئولوژیک حالت تهاجمی گرفت".
باید با "وجدانی آرام و آسوده در راهی انسانی و شریف" که گام نهاده ایم پیش برویم. او، معتقد است با وجود مشکلات نسبتا بزرگ، سوسیالیسم پیروز خواهد شد. آنچه برای ما توده ایها ضرورت دارد، جلوگیری از تضعیف مبارزه در داخل کشور است. ما، با نوشته رفیق که می گوید، "تاریخ میهن را دوست داریم، به گذشته حزم اقتدار می کنیم، در درد و اندوه فعلی خلقم سهیم هستیم و به آینده امیدوار" ارجح بسیار می گذاریم و کاملاً با وی هم عقیده ایم.

مهمترین وظیفه ما، مقاومت و مبارزه علیه توده ای ستیزی و کمونیسم ستیزی است. مبارزه ما در هیچ عرصه ای تعطیل بردار نیست و هیچگونه مشکلی نمی تواند و نباید مارا از راه حقی که در پیش گرفته ایم، منحرف سازد. سوسیالیسم را نمی توان از عرصه سیاسی حذف

کرد. آینده از آن سوسیالیسم است. کسانی که در این مورد تردید به خود راه دهند، دچار سردرگمی و اشتباه نابخشودنی خواهند شد. این نگرانی وجود دارد. دشمن نیز می کوشد تا از این ضعف بهره گیرد.

۲۳، اکتبر ۱۹۸۹، میخائیل گارباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در ملاقات با هیئت تحریریه روزنامه "پراودا" مطالبی را مطرح کرد که بجاست آن را به اطلاع خوانندگان برسانیم. وی، ضمن اشاره به بحث هائی که از مواضع گوناگون در جامعه شوروی جریان دارد، از جمله گفت: "به موازات اندیشه های دگرگونسازی بنحیث سیاست نوسازی سوسیالیسم، دمکراتیزه کردن، علنیت، ارتقاء انسان، انسانی کردن جامعه، بعضاً نظراتی از قبیل دعوت بازگشت به ۷۰ سال پیش را جلوی ما می گذارند. انکار این ۷۰ سال نبوده، انکار زندگی نسلی وجود نداشته، انکار در جامعه ما هیچ چیز روی نداده است. حال آنکه کار زیاد در ابعاد سترک انجام شده است. علیرغم تراژدیها، فاجعه ها و دقورمه شدن آنها که تحقق آرمان های سوسیالیستی را کندتر و بغیرنج تر ساخته اند، به پیشروی عظیم در سمت دستیابی به تمدن معاصر بشری موفق شده ایم. همه اینها وجود داشته است. به این سبب حق داریم بگوئیم که راه تاریخی ما - دستاورد نادر و نایاب معاصر بشمار می رود".

به نظر می رسد در لابلای این سطور حقیقتی آشکار و بسیار مهم بیان شده که عدم درک آن می تواند موجب سردرگمی گردد.

ما در آغاز این پرسش و پاسخ گفتیم و باز تکرار می کنیم که همه کشورهای جهان و از جمله رشد یافته ترین آنها با انواع مشکلات روبرو هستند. البته رسانه های گروهی غرب می - کوشند تا با جارو جنجال پیرامون "شکست سوسیالیسم" نارسائیهای خود را حتی المقدور پرده پوشی کنند. اما، بهر حال مجبور به بازگویی مشکلاتی هستند که مردم کم و بیش از آنها باخبرند. مثلاً، چندی پیش نورمان کازینس در نشریه آمریکائی "کریسچن سانیس موتیور" ضمن تشریح علل زاینده تورم، نوشت که تورم در ایالت متحده بطور عمده ناشی از آن است که طی ۳۰ سال اخیر دولت دو سوم ارزش کل پس انداز آمریکائی ها را "بلعیده" است. به نوشته وی هر قدر کسری بودجه افزایش می - یابد "مبارزه با پدیده هائی مانند اعتیاد، فقر، وجود اردوی عظیم بیکاران، فقدان مسکن، بحران خدماتی و درمانی و آموزشی نیز مشکلاتر می شود".

چنین است وضع در ثروتمندترین کشور جهان سرمایه داری. در دیگر کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه داری نیز وضع بهتر از آمریکا نیست. تورم، رکود اقتصادی، بیکاری، بی مسکنی از ویژگیهای سیاست تاجر در بریتانیاست. ما درباره ایتالیا با میلیون ها بیکار و فقر گسترده سخن نمی گوئیم. بیکاری و بی مسکنی در ثروتمندترین کشور اروپای غربی - آلمان غربی - بیداد می کند.
امپریالیسم به غارت "جهان سوم" ادامه می

دهد. پی آمد فاجعه بار وام سنگین به بانک ها و دولت های امپریالیستی برکسی پوشیده نیست. در اواخر اکتبر ۱۹۸۹ جلسه سران کشورهای آمریکائی و کانادا در "سان خوسه" (کستاریکا) به پایان رسید. در این جلسه مسئله وام یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث بود. فقط در سال ۱۹۸۸ کشورهای آمریکائی لاتین از بابت اقساط و بهره وام دریافت شده مبلغ ۵۰ میلیارد دلار بیش از وام جدید دریافت شده پرداخت کرده اند.

امپریالیسم کماکان در امور داخلی کشورها دخالت می کند. سالهاست امپریالیسم انگلستان به کشتار انسان های بیگناه در ایرلند ادامه می دهد، بدون اینکه دول اروپای غربی کلمه ای درباره زیرپا گذاشته شدن حقوق بشر بر زبان جاری سازند. حدود دو سال است که ارتش اسرائیل، کودک و زن و مرد را در سرزمین اشغالی می کشد، فلسطینی ها را روانه شکنجه گاهها می کند، بدون اینکه آب از آب تکان بخورد. در آفریقای جنوبی رژیم نژادپرست کماکان سرنوشت میلیون ها انسان را بدست دارد و دول امپریالیستی نه تنها کاری انجام نمی دهند، بلکه با همدستی نژادپرستان به غارت منابع طبیعی و استثمار کارگران آن کشور ادامه می دهند.

در "جهان آزاد" زیاد درباره آزادی و انسان پروری سخن می گویند. آیا واگذاری سلاح هائی به ارزش صدها میلیون دلار به ضد انقلاب افغانستان را می توان "انسان پروری" نامید؟ روزی نیست که دهها کودک و زن در این کشور بلازده در اثر انفجار موشک های ساخت آمریکا و انگلیس به هلاکت نرسند.

امپریالیسم ایالت متحده آمریکا که آن کشور را "مهد آزادی" می داند، بدون کوچکترین شرمی، باند پل پوت جانی و آدمکش معروف را مسلح می کند تا مردم ستمدیده کامبوج را بار دیگر به بردگی و اسارت درآورد. مشابه این عمل ضد انسانی را ما در نیکاراگوئه ناظریم. ایالات متحده آمریکا با پرداخت میلیون ها دلار، آدمکشان نیکاراگوئه را علیه مردم آزاده آن کشور بسیج می کند.

می توان ده ها نمونه از قبیل آنچه گفته شد آورد. امپریالیسم و عملش برای پرده پوشی چنایات خود می کوشند تا به هیستری ضد سوسیالیستی و ضد کمونیستی دامن زنند. وظیفه ما، افشاء توطئه های امپریالیستی است. خوشبینی به آینده از ویژگیهای هر توده ای مبارزاست. ما مبارزه را بدون وقفه ادامه می - دهیم. زیرا می دانیم آینده از آن توده های زحمتکش است و جز این هم نمی تواند باشد.

کمک های مالی رسیده

سام . آمریکا	۱۵	دلار
از هواداران در اتریش	۳۵۰۰	شیلینگ
از هواداران در ژاپن	۵۰۰۰	ین
بمناسبت چهل و هشتمین سالگرد حزب، نیویورک	۳۵۰	دلار
لوس آنجلس	۲۵۰	دلار

ایستاده بمیریم ...

فروشنده و کلفت روزگاری را گذراند. دولورس ایباروری سپس با یک مددجوی آگاه به منافع طبقه کارگر ازدواج کرد و با جنبش انقلابی اسپانیا آشنایی یافت. از آنجا، که همسرش بخاطر فعالیت انقلابی پیوسته به زندان می افتاد، دولورس ایباروری نان آور شش فرزند خود نیز شد.

مطالعه آثار مارکس و انگلس برای ایباروری "پنجره ای را بسوی زندگی" گشود. وی در سال ۱۹۱۷ به عضویت "حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا" درآمد و در سال ۱۹۲۰ از نخستین بنیانگذاران حوزه های کمونیستی بود. در همین سال "حزب کمونیست اسپانیا" تاسیس یافت و ایباروری به عضویت کمیته حزبی در ایالت باسک برگزیده شد. در آن زمان بود، که نخستین مقالات او در روزنامه های سندیکایی و "موندو اوپرو"، ارگان حزب، با امضای مستعار "لاپاسیوناریا" انتشار یافت.

ایباروری در سال ۱۹۳۰ به عضویت کمیته مرکزی و دو سال بعد به عضویت هیئت سیاسی آن درآمد.

در سال ۱۹۳۶ نیروهای چپ اسپانیا به پیروزی انتخاباتی بزرگی دست یافتند و دولورس ایباروری همراه با ۱۶ نماینده دیگر حزب کمونیست اسپانیا روانه "کورتس" (پارلمان اسپانیا) شد.

ایباروری پس از جنگ ملی - انقلابی علیه دارودسته کودتاچی و فاشیست فرانکو به ریاست پارلمان انتخاب گردید و با شور انقلابی در سازماندهی جنبش مقاومت علیه شورشیان و تجاوزگران شرکت کرد.

این ضد فاشیست دلاور با سخنانی چون "بهتر است ایستاده بمیرم، تا دست به سینه زندگی کنیم" توانست میلیون ها اسپانیایی و انترناسیونالیست را در سراسر جهان به مبارزه و جنگ علیه استبداد و فاشیسم بسیج کند.

پس از شکست جمهوری اسپانیا، "لاپاسیوناریا" در سال ۱۹۳۹ از راه پاریس رهسپار اتحاد شوروی شد. او در سال ۱۹۴۲ پس از مرگ خوسه دیاس مسئولیت دبیرکلی حزب را بدست گرفت.

پس از حمله هیتلر به اتحاد شوروی، بسیاری از مهاجران اسپانیایی دوش بدوش ارتش سرخ به دفاع از نخستین کشور سوسیالیستی جهان پرداختند - از جمله روین روئیس ایباروری، فرزند "لاپاسیوناریا"، که در ۳ سپتامبر ۱۹۴۲ در نبرد استالینگراد شهید شد. دولورس ایباروری پس از مرگ فرانکو، در ۱۲ مه ۱۹۷۷ به میهن خود بازگشت و به عنوان صدر حزب تا آخرین لحظه زندگی در راه آرمان کمونیستی اش رزمید. خاطره او جاودان خواهد بود.

*

شایان بیان است که در مراسم بخاک سپاری رفیق دولورس ایباروری، رفیقی به نمایندگی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت جست

ناخدای دریا ندیده

می گیرد. اما این انتصاب اخیر برآستی حیرت انگیز است.

البته در نظام "ولایت فقیه" که در آن برای طی مدارج مذهبی هم ظاهرا ضابطه دقیق و جافقاده ای وجود ندارد و "حجت الاسلام" خامنه ای ناگهان تبدیل به "آیت الله" خامنه ای می شود و القاب "حضرت" و "رهبرانقلاب" و "ولی فقیه" را "هدیه" می گیرد، برای پزشک و مهندس و افسر و ناخدا شدن هم نیازی به گذاردن دانشکده های پزشکی، فنی، افسری و نیروی دریایی نباید باشد. کافی است کسی با "ولی فقیه" بیعت کند تا مکتب نرفته و خط ننوشته، مسئله آموز صد مدرس گردد!

با اندکی توجه می توان بی برد که صحبت برسر یک تحمیل خشن و زورگویانه به پرسنل نیروی دریایی است، که بزودی باعث انفجار ناخشنودی در سراسر ارتش خواهد شد. هیچ افسر تحصیل کرده ای را نمی توان یافت که این انتصاب خودسرانه را بپذیرد. همانگونه که پیشنماز محل نمی تواند رئیس سازمان آتی شود و یا رئیس دانشکده پزشکی، سرپرست مدرسه فیزیقه قم گردد، یک متخصص در آدمکشی هم نمی تواند با صدور حکم "رهبر" یککشیه به مقام "دریاداری" برسد و صدها افسر و درجه دار تحصیل کرده و کارشناس مجبور به پیروی از دستورات نابخردانه اوگردند.

شیوه گزینش فرمانده برای نیروی دریایی توسط سید علی خامنه ای به نحوه انتخاب حاکم برای مصر توسط هارون الرشید خلیفه عباسی می ماند که سعدی در گلستان آن را بصورت زیر حکایت کرده است:

"هارون الرشید را چون ملک دیار مصر مسلم شد گنت به خلاف آن طافی که به غرور ملک مصر، دعوی خدائی کرد، نجشم این ملک را مگر به خسیس ترین بندگان. سپاهی داشت نام او خسیب، در غایت جهل، ملک مصر به وی ارزانی داشت و گویند عقل و درایت او تابجائی بود که طایفه ای حراث مصر شکایت آوردندش که پنبه کاشته بودیم باران بی وقت آمد و تلف شد. گفت پشم پایستی کاشتن".

و به انتقادات و آترناتیوهای گوناگون توجه کند. کمیته مرکزی با این "برنامه عمل" همه رقبا را مخاطب قرار می دهد.

اعتقاد ما این است که اتحاد رزمی ما می تواند براین پایه به توافق دست یابد و وارد مرحله عمل شود. ما از طبقه کارگر، دهقانان تعاونی، روشنفکران و همه مردم تقاضا داریم، که پیشنهادهای ما را بررسی کنند ودر این چرخش با ما همراه شوند. پیروزی نوسازی سوسیالیستی بسود همه ماست. اکنون همه می توانند در دگرگونسازی انقلابی کشور ما شرکت کنند. به تک تک شهروندان نیاز هست و هر شهروندی می تواند با تصمیم گیری خویش در سرنوشت خود، خانواده خود و کشور خود دخالت کند."

شمخانی، وزیر سابق سپاه پاسداران، به اراده "رهبر" و "ولی فقیه"، یککشیه "دریادار" و فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی شد! انتشار این خبر مانند انفجار بمب در جامعه بازتاب یافت. حتی در افسانه های خلق ها، دریانوردی همیشه کاری بسیار تخصصی بحساب می آمده که نیاز به مردان کاردان و کارآزموده و سخت کوش داشته است.

شاه هم در دوران خود می دانست که در مورد نیروی دریایی بالاخره حساب و کتابی در کار است و نمی تواند اختیار ناوگان دریایی ارتش خویش را به دست آدم های تصادفی بسپرد. او از یک سو با صرف مبالغ هنگفتی از ثروت های ملی کشور، چند کشتی جنگی امروزی را برای نیروی دریایی خرید و از سوی دیگر افراد دستچین شده و مستعدی را به آموزشگاه های عالی دریایی کشورهای پیشرفته در این زمینه فرستاد تا دریانوردی بیاموزند. زنده یاد ناخدا افشلی که هنگام تجاوز

ارتش عراق به خاک ایران فرمانده نیروی دریایی بود، نه تنها بخاطر شجاعت و میهن پرستی و مردم دوستی خود بلکه همچنین در پرتو معلومات گسترده اش در علوم دریایی بود که توانست نیروی دریایی ایران را حاکم بر خلیج فارس و آبراه های آن کند و سهم بسزائی درناگام گذاشتن نقشه های دشمن متجاوز ایفا نماید. لکه ننگ بازداشت و اعدام خائنه دریادار افشلی که خامنه ای نقش مهمی در آن داشته است، هیچگاه از دامان سران خائن وواپسنگرای جمهوری اسلامی پاك نخواهد شد و افسران نیروی دریایی ایران همیشه آن را به یاد خواهند داشت.

انتصاب شمخانی یعنی فردی قلدر و غیرمتخصص به مقام فرماندهی کل نیروی دریایی، بیگمان حاصل رقابت های شدید پشت پرده میان جناح های گوناگون در حاکمیت است. نخستین بار نیست که در جمهوری اسلامی، تقسیم مناسب برحسب وابستگی های جناحی و "خطی"، بدون توجه به صلاحیت یا عدم صلاحیت فرد منصوب شده برای احراز مقامی که بعده اش گذاشته می شود صورت

گام های نوسازی

نظارت دمکراتیک، به بهترین معنای لنینی کلمه، پایگاه توده ای گسترده دمکراسی سوسیالیستی هستند. رفقای ما در سندیکاها ووظیفه دارند، که فعالانه در راه پیشبرد منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بهبود شرایط کار و زندگی زحمتکشان گام بردارند."

در پایان "برنامه عمل" حزب سوسیالیست متحد آلمان آمده است:

"کمیته مرکزی بر آن است، که باید طرح استراتژیکی را برای نوسازی بنیادی سوسیالیسم در سال های ۹۰ تدارک دید و به بحث گذاشت. ... این بحث باید علنی و دمکراتیک باشد

و نظرات گوناگون هنری باید بگونه ای علنی و وسیع به بحث پرداخت. از هرگونه تحمیل نظر، بکارگیری شیوه های اداری و سانسور باید دست برداشت... علم باید در جامعه ما بالاترین مقام را حائز باشد.

... کمیته مرکزی دانشمندان علوم اجتماعی را به همکاری انتقادی - سازنده در روند نوسازی فرامی خواند. باید درباره نتایج، تحلیل ها و بررسی های دانشمندان به ارزیابی جدی و بحث علمی دست زد و از آنها در تصمیم گیریها کمک گرفت.

در "برنامه عمل" درباره نوسازی حزب گفته می شود:

"زندگی، نوسازی بنیادی حزبمان را در دستور روز قرار داده است. باید خودانتقادگرانه و بی پروا درباره انحرافات و بحران عمیق عدم اعتماد به ریشه یابی پردازیم و این کار را از خود کمیته مرکزی آغاز کنیم.

مارکسیسم - لنینیسم جهان بینی حزب ما بوده است و خواهد بود. هیچ چیز و هیچ کس حق آن را ندارد، که از تکامل خلاق آن جلوگیری کند. ما برآنیم، که حقیقت در انحصار ما نیست و خواهان تنوع نظرات، تحمل عقاید دیگران و مبارزه در راه بهترین راه حل ها هستیم. تئوری مارکسیسم - لنینیسم نباید دنباله رو سیاست روز باشد... دموکراسی درون حزبی باید بر توده حزبی متکی باشد حوزه های حزبی و همه نهاد های انتخابی رهبری باید از حق بحث آزاد و انتقادی - سازنده درباره همه مسائل حزبی برخوردار باشند. احترام به نقش ارزنده اقلیت از یک سو و لزوم اجرای تصمیمات اکثریت از سوی دیگر، جوانب گریزناپذیر سانتالیسم دموکراتیک است."

در "برنامه عمل" می خوانیم:
"هدف سیاست جدید حزب درباره نسل جوان باید پرورش شهروندان جوان آگاهی باشد، که در برابر ساختن سوسیالیسمی مدرن در میهن خویش پایبندی فعال از خود نشان دهند. باید حقوق همه قشرهای نسل جوان را در حکومت و جامعه گسترش بخشید. "حزب سوسیالیست متحد آلمان" همچنان به (سازمان) "جوانان آزاد آلمان" کمک رفیقانه خواهد کرد، اما بدون آن که در کارهایش دست به دخالت بزند."
درباره نقش سندیکاها در "برنامه عمل" گفته می شود:

"حزب بر آن است که "فدراسیون آزاد سندیکاها" آلمان باید متحدا و مستقلا از منافع فردی و گروهی زحمتکشانش در روند نوسازی به دفاع پردازد.

سندیکاها آزاد و مستقل، بعنوان نهادهای

در زمینه اقتصادی در "برنامه عمل" آمده است:

"شرایط کنونی و چشم انداز سوسیالیسم تغییر اصولی در سیاست اقتصادی و رفرف اقتصادی همه جانبه را ضرور می سازد. این سیاست باید برپایه پاسخگویی هرچه بیشتر به خواست های مردم، اقتصاد ملی و همه جامعه استوار باشد. موفقیت این سیاست را نباید با پیکره های صوری و آهنگ های رشد آرایش یافته اندازه گرفت... با رفرف اقتصادی باید شرایطی را فراهم آورد، که مناسبات میان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشانش و مالکیت سوسیالیستی هرچه

گام های نوسازی

کوشه هایی از "برنامه عمل" حزب سوسیالیست متحد آلمان

تنگناکنک تر شود. باید چنان برنامه ریزی سوسیالیستی را پدید آورد، که شرایط بازار را در نظرگیرد و همه نیروهایی را، که در روند اقتصادی شرکت دارند، به ابتکار و کارهرچه بارآورتر برانگیزد.

ما می دانیم، که رفرف اقتصادی تاثیراتی بس عمیق برزندگی سراسر جامعه ما باقی خواهد گذاشت. این رفرف مرحله به مرحله صورت خواهد گرفت و اقدامی یکباره نخواهد بود. یفرغی این مسئله در آن است، که پایبندی این تغییرات، به کارکرد مکانیسم اقتصادی هیچگونه لطمه ای وارد نیاید. از این رو لازم است که درباره رفرف و هرگامی برای پیشبرد آن بدقت فکر کرد و آن را به بحث همگانی و انتقادی گذاشت."

"برنامه عمل" در گستره فرهنگ هنر و دانش خاطر نشان می سازد:

"برای نوسازی جامعه سوسیالیستی به نوسازی معنوی گسترده نیازمندیم. باید از وظایف فرهنگ و هنر درکی جدید داشت و آن سیاست فرهنگی را در پیش گرفت، که ویژگیهای هنر را در نظر گیرد و خلاصیت همه هنرمندان را برانگیزد... ما خواستار آزادی هنر و مسئولیت شناسی خود هنرمندان و فرهنگیان و نهادهای هنری و فرهنگی هستیم. نقش اینان در دگرگونسازی نقشی است حیاتی. درباره مواضع

"جمهوری دموکراتیک آلمان می جوشد و می شکند. جنبش انقلابی خلق روند دگرگونیهای ژرف را برانگیخته است. نوسازی سوسیالیسم در دستور روز است."

"برنامه عمل" "حزب سوسیالیست متحد آلمان"، که روز ۱۱ نوامبر، در پایان پلنوم سه روزه کمیته مرکزی حزب انتشار یافت. با جماعات بالا آغاز می شود در "برنامه عمل" آمده است: "پلنوم دهم کمیته مرکزی به شیوه ای انتقادی و همراه با انتقاد از خود، فعالیت خویش و وضع حزب و کشور را بررسی کرد. (پلنوم) به این نتیجه رسید، که اشتباهات جدی دبیرکل و هیئت سیاسی پیشین، حزب و جمهوری را به بحرانی عمیق کشاند و به حیثیت حزب در میان میلیون ها زحمتکش لطمه وارد آورد. حزب مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر، حزب سوسیالیست متحد آلمان، برای آنکه بتواند به مسوولیت خود در قبال جامعه سوسیالیستی بطور کامل عمل کند، وظیفه دارد، تا باردیگر اعتماد خود را نسبت به توان خویش بازیابد و توانایی خود را در ترسیم چشم انداز یک سوسیالیسم مدرن به ثبوت برساند. در راه پیشبرد این هدف به رفرف هایی ریشه ای نیاز هست - رفرف هایی، که در خدمت به منافع کارگران، دهقانان، روشنفکران و دیگر زحمتکشانش باشد. هدف آن است، که سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان از دموکراسی بیشتر و پویایی نو بهره مند شود."

"دستاوردهای حاکمیت کارگران و دهقانان در خاک آلمان... پایه این نوسازی است. شرط و وثیقه شکوفایی جامعه سوسیالیستی را باید در حاکمیت طبقه کارگر و متحدان آن، در حزب و ائتلاف برابر حقوق آن با همه نیروی دموکراتیک کشور، در مالکیت اجتماعی ابزار تولید و در برنامه ریزی رشد اقتصادی و اجتماعی جستجو کرد."

"حزب سوسیالیست متحد آلمان" می خواهد در جنبش وسیعی، که همه نیروهای اجتماعی را با حقوق برابر و برپایه گفت و شنود و مسوولیت مشترک در راه پی ریزی سوسیالیسمی مدرن و نوساخته متحد می سازد، سهم خویش را ادا کند. ما پشتیبان فعالیت گروه های سیاسی جدیدی هستیم، که به قانون اساسی اعتقاد دارند و در راه جلب اعتماد آنها خواهیم کوشید."

"حزب سوسیالیست متحد آلمان" خواهان "دگرگونی بنیادی" در زمینه رسانه های گروهی است و بر آن است که جامعه سوسیالیستی به تبلیغات مستند، فراگیر، مبتنی بر حقیقت، انتقادی و سازنده "نیاز دارد" و خاطر نشان می سازد، که "نباید گذاشت، که میان واقعیت و بازتاب آن تضادی نمایان شود."